

۱۰۰
۸۱
۵

بنیاد دانش

بررسی ضرورت و کارآمدی فلسفه اسلامی

www.ketaboo.ir

سرشناسه: باباحسینی، رامین
عنوان: بنیاد دانش؛ بررسی ضرورت و کارآمدی فلسفه اسلامی

تکرار نام پدیدآور: رامین باباحسینی

مشخصات نشر: قم: آل فاضل، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۱۸۹ ص

شابک: ۳-۶۴-۶۱۱۱-۶۰۰-۹۷۸-ISBN

وضعیت فهرست نویسی: فیا

ردیف: عنوان دیگر: بررسی ضرورت و کارآمدی فلسفه اسلامی

ردداشت: کتابنامه: ص ۱۸۳ - ۱۸۹؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: فلسفه اسلامی

موضوع: فلسفه اسلامی - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ ب ۲ / ب ۱۴ BBR

رده بندی دیوث: ۱۸۹۸

شماره مدرک: ۵۱۰۹۵۲۵

نام کتاب:

بنیاد دانش؛ بررسی ضرورت و کارآمدی فلسفه اسلامی

مؤلف: رامین باباحسینی

نشر: آل فاضل

چاپ: اصیل

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۳-۶۴-۶۱۱۱-۶۰۰-۹۷۸-ISBN

کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ می‌باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

تقدیم به:

أرواح پاک همه انبیاء و رسولان إلهی که در مسیر بروز و شکوفایی
فطرت بشریت از هیچ تلاشی فرو گذار نکردند.

و أرواح طیبه علماء و شهدای تاریخ که در مسیر استمرار دعوت پیامبران
بر مسیر فطرت گام نهادند.

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
----	-------------

فصل اول:

۱۹	 تبیین مفاهیم
۱۹	 ۱- فلسفه
۲۱	 فلسفه در لغت
۲۳	 فلسفه در اصطلاح
۲۳	 فلسفه در مغرب زمین
۲۵	 فلسفه در سنت اسلامی
۳۰	 ۲- اسلام
۳۲	 ۳- فلسفه اسلامی
۳۳	 نتیجه گیری

فصل دوم:

۳۵	 چستی فلسفه اسلامی
۳۵	 گفتار اول: معنای فلسفه اسلامی
۳۷	 ۱- فلسفه اسلامی در لغت
۳۷	 ۲- فلسفه اسلامی در اصطلاح
۴۲	 گفتار دوم: حقیقت فلسفه در مقام ثبوت و نفس الامر
۴۵	 گفتار سوم: معیارهای اسلامی بودن فلسفه
۴۷	 ۱- فلسفه اسلامی یا فلسفه مسلمانان
۵۰	 ۲- فلسفه ی اسلامی یا فلسفه ی هماهنگ با آموزه های اسلام
۵۱	 ۳- مطلوبیت شرعی فلسفه ی اسلامی
۵۲	 ۴- فلسفه اسلامی فلسفه مدافع اسلام

۵۴	فلسفه ی اسلامی یعنی فلسفه ی متأثر از اسلام
۵۵	تأثیر معارف اسلامی در طرح موضوعات و مسائل جدید
۵۵	تأثیر در جهت دهی با اهتمام بیشتر به مسائل خاص
۵۶	تأثیر در طرح استدلال های جدید
۵۷	تأثیر در تصحیح خطاهای فلسفی
۵۸	نتیجه گیری

فصل سوم:

۵۹	ضرورت و کارامدی فلسفه اسلامی
۶۱	گفتار اول: نقش فلسفه در مسائل کلام اسلامی
۶۱	تعریف علم کلام
۶۲	پیشینه ی تاریخی تعامل فلسفه و کلام اسلامی
۶۷	تأثیرات فلسفه در کلام اسلامی
۶۸	مسائل فلسفی، مبادی استدلال های کلامی
۶۹	علم پیشین الهی به موجودات
۷۲	تقریر علم پیشین الهی بر مبنای حکمت متعالیه
۷۷	تأثیرات حاصل از تضارب آراء فلاسفه و متکلمین
۷۷	امتناع اعاده ی معدوم
۷۸	مناط نیازمندی شیئی به علت
۸۳	گفتار دوم: نقش فلسفه در شکل گیری علوم انسانی اسلامی
۸۴	تعریف علوم انسانی
۸۵	تعریف علوم انسانی اسلامی
۸۶	ضرورت تحول در علوم انسانی بر پایه ی مبانی فلسفه ی اسلامی
۸۷	مبانی هستی شناسی
۸۸	اعتقاد به وجود اصل واقعیت در جهان هستی

۸۹	اصالت وجود
۹۰	پذیرش نظام علی معلولی و علّه العلل بودن باری تعالی
۹۶	غایت‌مند بودن هستی
۹۸	مبانی معرفت‌شناسی
۱۰۰	رئالیسم فلسفی و رئالیسم معرفتی
۱۰۲	ابزار و منابع شناخت
۱۰۴	معیار معرفت
۱۰۶	مبانی انسان‌شناسی
۱۰۷	حقیقت انسان
۱۰۹	فطرت
۱۱۱	اختیار و آزادی
۱۱۳	کمال‌نهایی انسان
۱۱۵	گفتار سوم: نقش فلسفه در تبیین نظام سیاسی اسلام
۱۱۶	ضرورت تشکیل حکومت
۱۱۹	بهترین شکل حکومت
۱۲۲	بهترین شکل حکومت در عصر غیبت
۱۲۳	مصادیق انسان کامل
۱۲۴	انبیاء الهی
۱۲۴	ائمّه ی معصومین
۱۲۵	فقه‌اء و مجتهدین و زعامت امور در عصر غیبت
۱۲۸	نتیجه‌گیری

فصل چهارم:

۱۳۱	شبهات و انتقادات منکرین فلسفه اسلامی
۱۳۲	گفتار اول:

۱۳۳	ناسازگاری فلسفه اسلامی با آموزه های اسلام
۱۳۴	۱- توحید افعالی و جبر کلامی
۱۳۵	تعریف توحید افعالی
۱۳۶	تبیین سازگاری توحید افعالی با اختیار عباد
۱۴۰	۱- ضرورت علی و جبر فلسفی
۱۴۲	۳- قدم زمانی عالم و تکفیر فلاسفه
۱۴۳	تعریف حدوث و قدم و اقسام آن
۱۴۷	۴- مدار جسمانی
۱۴۹	تفاوت نکرش فلاسفه با مخالفین فلسفه
۱۵۲	گفتار دوم: تولیدی بودن فلسفه ی اسلامی
۱۵۳	خاستگاه بیرونی فلسفه ی اسلامی
۱۵۷	خاستگاه درونی فلسفه ی اسلامی
۱۵۸	تکامل محتوایی
۱۶۱	تکامل روشی
۱۶۴	گفتار سوم: نهی اسلام از فلسفه
۱۶۴	روایت اول:
۱۶۸	روایت دوم:
۱۷۴	نتیجه گیری
۱۷۵	فهرست منابع فارسی:
۱۷۹	فهرست منابع عربی

مقدمه

بسیاری از دانش آموختگان فلسفه ی اسلامی در مسیر تعلیم این علم با سوالاتی از این قبیل مواجه می شوند که فلسفه چیست و به چه دردی می خورد و در غایت تعلیم فلسفه انسان را به چه مقصودی میرساند؟ سوالاتی که نه تنها طالب علم فلسفه، بلکه برپوینده ی هر دانشی لازم است که قبل از ورود به آن دانش پاسخی مناسب برای این قبیل سوالات پیدا کند تا در مسیر تعلیم آن علم که در بسیاری از موارد با دشواری هایی نیز همراه است، دچار ابهام و احساس یهودگی نگردد. اما در مورد فلسفه مسأله کمی حساس تر است؛ چرا که هر فلسفه آموزی علی رغم پویندگان فراوان از بی مهری ها، نقدها و چالش های علمی در امان نبوده و در طول تاریخ فراز و نشیب های بسیاری را در خود دیده است، از این روی آشنایی با مبادی تعلیم فلسفه ی اسلامی و بافتن پاسخ های مناسب برای رد شبهات مطرح شده در این باب امری ضروری است. تحقیق پیش روی نیز با هدف پاسخ گویی به این نیاز

انجام شده است و نیز سعی شده تا حد امکان پاسخی به شبهات مطرح شده در این باب نیز ارائه گردد. در این فصل به توضیح کلیاتی همچون بیان مسأله، اهمیت و جایگاه آن، پیشینه ی تحقیق و... و همچنین مفاهیم و اصطلاحاتی که پیش از ورود به هر مبحثی تبیین آنها ضروری است پرداخته ایم.

از دیرباز تاکنون اندیشه های فلسفی یکی از مهمترین ارکان بحث در کانون فکر بشری بوده است و مخالفان و موافقان صاحب اندیشه ای را بر گرد خود جمع آورده است. فلسفه علی رغم دانش آموختگان فراوان از نقدها و چالش های علمی در امان نبوده و در طول تاریخ فراز و نشیب های بسیاری را بر خورده است و گمان نمی رود هیچ علمی به اندازه فلسفه تا این حد مورد هجوم و طعن و افترا قرار گرفته باشد. در پس این افت و خیز و تکاپوهای علمی، فلسفه گذری بر عالم اسلام نیز پیدا کرد و فلسفه ی اسلامی شکل گرفت. هر چند فلسفه ی اسلامی همچون اصل و مصدر خویش از بی مهری ها و هتاک ها بی بهره نبود، ولی بنیان بودن تفکر عقلانی و فلسفی برای شکل گیری هرچه قوی تر تفکر، در عالم اسلامی امری بود که پویایی و یابیایی فلسفه ی اسلامی را می طلبد.

توضیح درباره ی تأثیری که فلسفه ی اسلامی در دانش های همگن مانند کلام اسلامی دارد و تبیین هرچه دقیق تر مباحثی چون هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی که به عنوان زیر بنای علوم

انسانی محسوب می شوند و همچنین نقشی که فلسفه در تبیین نظام سیاسی اسلام ایفاء می کند اموری هستند که نشان از ضرورت و کارآمدی فلسفه ی اسلامی دارد.

برای اینکه فلسفه ی اسلامی در میان فلسفه های غیردینی و یا ضد دینی وجه رجحانی در تبیین هرچه قوی تر این مباحث پیدا کند باید توانایی ها و بانه های آن را کشف کرده و بر دیگر اندیشه ورزان ارائه کنیم.

اما قبل از اینکه خود را در میدان مباحث فلسفی قرار داده و به بحث و گفت و شنود درباره ی آنها پردازیم ابتداء باید تبیین درستی از جایگاه و کارکردهای فلسفه ی اسلامی و اینکه مراد و مطلوب از واژه ی فلسفه ی اسلامی چیست را ارائه دهیم. بدیهی است که سخن از مقام و منزلت فلسفه اسلامی فرع بر این است که آیا چیزی که به این نام خوانده شود وجود دارد یا اینکه ما چیزی را تلقی ها و اندیشه های رایج یونانی نداریم که از روی تسامح نام آن را فلسفه اسلامی گذاشته اند؟

مدافعین فلسفه بر این اعتقاد هستند که دیانت در نهایت باید واجد نوعی عقلانیت باشد و عقلانیت نیز از راه استدلال فراهم می آید و بارزترین مصداق استدلال ورزی پرداختن به فلسفه می باشد. لذا فلسفه ورزی می تواند به عقلانیت دین داری کمک کند و پرداختن به فلسفه اسلامی و تعلیم و ترویج آن ضروری است.

اما در مقابل کسانی بوده و هستند که نه تنها این مباحث را کمکی به عقلانیت دین داری نمی دانند بلکه شدیداً مخالف آن بوده و شبهات و سوالات فراوانی از دیرباز تاکنون در پیش روی قائلین به فلسفه ی اسلامی قرار داده اند.

افرادی که به نحوی اسلامی بودن فلسفه را باورنداشته اند سوالاتی از این دست مطرح کرده اند که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

برخی می گویند فلسفه ی اسلامی واقعا فلسفه ی یونانی است، به گونه ای که جز تکرار و احیانا شرح، تفسیر و تعلیق ی بر آن چیز دیگری نیست.

عده ای نیز بر این باورند که اساساً واژه ی فلسفه ی اسلامی، دارای تناقضی درونی بوده است و خصیصه های دینی و اسلامی که مستلزم تسلیم محض در برابر وحی و آموزه های دینی است با آموزه های فلسفی که ذاتاً مباحثی عقلی و برهانی است سازد و از این روی اسلام از فلسفه و فلسفه ورزی نهی کرده است.

با توجه به این سوالات و شبهاتی که در این راستا مطرح شده است ضروری است که حقیقت و ضرورت فلسفه ی اسلامی و جایگاه آن در بین علوم انسانی و کارکردهای فلسفه اسلامی را به دقت مورد ارزیابی قرار داده و در پایان نیز سوالات و شبهاتی که منکران فلسفه ی اسلامی مطرح نموده اند را بررسی کرده و پاسخ مناسب با آنها را طرح کنیم.

بر هیچ انسان آگاهی پوشیده نیست که شکل گیری صحیح مباحثی چون هستی شناسی، انسان شناسی، خدا شناسی و... تا چه میزان در رهیافتهای او نسبت به مسائل اعتقادی دخیل می باشد.

فلسفه ی اسلامی به عنوان یکی از علوم بنیادین داعیه دار ایفاء نقش ایجابی و حلّی نسبت به بحران های فکری ایجاد شده در ذهن بشر امروز نیست بر این مسائل می باشد.

در این میان و با توجه به اینکه در حال حاضر بیشترین هجمه ها و حمله های دشمن معطوف به مباحث و مسائل اعتقادی شده است تبیین جایگاه فلسفه ی اسلامی و میزان پاسخگویی آن به این سوالات و شبهات از اهمیت بالایی برخوردار است، لذا با توجه به نقش کلیدی فلسفه در مباحث کلامی و همچنین ضرورت دفاع عقلانی از نظام سیاسی اسلام در مقابل بیگانگان، نهان دادن اهمیت فلسفه اسلامی و پاسخ به شبهات منکران و مخالفان فلسفه اسلامی می تواند تا حد بسیار بالایی مسیر آموزش فلسفه اسلامی را هموار سازد.

بحث از فلسفه اسلامی، چیستی، کارآمدی های آن و پاسخ به شبهات منتقدان و مخالفان آن از جمله مسائلی است که از دیر باز در کنون ذهن بسیاری از اندیشه ورزان را به خود مشغول ساخته است.

در این راستا گفتگوهای فراوانی صورت گرفته و مقالات زیادی تدوین شده است، اما هر یک از اینها عهده دار بخشی از این مبحث شده اند.

کتابهای موجود در این زمینه نیز بیشتر متکفل بیان تاریخ فلسفه اسلامی

شده اند و کمتر کتابی یافت می شود که ابعاد مورد نظر در این تحقیق را به طور یک جا فراهم آورده باشد.

در این راستا تحقیقی مناسب صورت گرفته است که حاصل آن تحت عنوان کتابی به نام (چیستی فلسفه اسلامی) عرضه شده است.

این کتاب تا حدود زیادی به اغراض تحقیق ما نزدیک است ولی از جمله مسائلی که در این کتاب به آنها پرداخته نشده و نگارش رساله ای خداگان را می طلبد بررسی ضرورت و کارآمدی فلسفه اسلامی می باشد. همچنین ما در زمانه ای به سر می بریم که عده ای قریه الی الله برای تخریب فلسفه اسلامی والحدادی جلوه دادن آن کمر همت بسته اند و برای رسیدن به این مقصود به هر وسیله ای توسل جسته اند که توجه به کلام آنها در فضای امری و ارائه ی پاسخی جامع به گفته ها ی آنها در خور توجه است که در این کتاب اشاره ای به آنها نشده است. کتاب (ما و تاریخ فلسفه اسلامی) نیز گرایش خوبی از تاریخ فلسفه اسلامی ارائه کرده است و در انتهای کتاب وضعیت فلسفه در ایران و مقام فلسفه اسلامی را مورد بررسی قرار داده است اما در این کتاب نیز بحث از کارکردهای فلسفه اسلامی به میان نیامده است و پاسخ به

۱ یار علی کرد فیروزجایی، چیستی فلسفه اسلامی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.

۲ رضا داوری اردکانی، ما و تاریخ فلسفه اسلامی، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ۱۳۹۰.

شبهات مخالفین نیز کماکان مسکوت باقی مانده است.

کتاب ها و مقالات دیگری نیز به تبیین چپستی فلسفه اسلامی و وجوه اسلامی بودن آن پرداخته اند؛ به عنوان مثال در کتاب ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۳،^۱ بحثی تحت عنوان ماهیت فلسفه اسلامی مطرح نموده اند و یا در کتاب فارابی مؤسس فلسفه اسلامی^۲ این پرسش را طرح شده که آیا فلسفه اسلامی تعبیر درستی است و آیا می توان فارابی و ابن سینا و... را فیلسوف اسلامی خواند؟ در کتاب تاریخ فلسفه در جهان اسلام^۳ نیز به معرفی معروف ترین اشخاص و مهم ترین گرایشات فلسفه اسلامی و بحث در باب کیفیت پیدایش و تطور فلسفه ی اسلامی پرداخته اند.

در این راستا مقالات متعددی، با عناوینی همچون، آیا فلسفه ی اسلامی داریم؟^۴ اصالت فلسفه ی اسلامی،^۵ فلسفه اسلامی یا فلسفه ی

۱ غلامحسین ابراهیمی دینانی، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، چاپ اول، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹.

۲ رضا داوری اردکانی، فارابی مؤسس فلسفه اسلامی، چاپ چهارم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.

۳ حنا الفاخوری، خلیل الجر، تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ۱۳۷۳.

۴ عبد الرسول عبودیت، آیا فلسفه اسلامی داریم، معرفت فلسفی، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۲.

۵ علی عابدی شاهرودی، اصالت فلسفه اسلامی، کیهان اندیشه، شماره اول، مرداد و شهریور ۱۳۶۴.

مسلمانان^۱ و...تحریر شده اند که در این رساله نیز به مناسبت از آنها استفاده شده است ولی همان طور که پیش تر نیز اشاره شد در این رساله می خواهیم علاوه بر تبیین ضرورت و کارکردهای فلسفه اسلامی به برخی شبهات و سوالات مطرح شده در این باب پاسخ دهیم که در نوع این کتاب ها و مقالات به این دو مهم به صورت تفصیلی پرداخته نشده است.

۱ حسین غفاری، فلسفه اسلامی یا فلسفه مسلمانان، نشریه فلسفه، گروه فلسفه